

بازخوانی اندیشه‌ها

نقد و بررسی اندیشه‌ها

نقد و بررسی اندیشه‌ها

بازخوانی اندیشه‌ها

اشاره

امروزه، وظایف و چالش‌های فراوانی در تهیه و تولید برنامه‌های درسی، به ویژه برای تربیت نونهالان، به منظور رسیدن به توسعه‌ی پایدار، وجود دارد. انجام این وظایف و به ثمر رسیدن چالش‌ها، به دیدگاه‌های مشترک برنامه‌ریزان، معلمان، تصمیم‌گیران، سیاست‌گذاران، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، و همه‌ی کسانی نیاز دارد که به نوعی با آموزش و پرورش سروکار دارند؛ دیدگاه‌هایی که از چشم‌انداز آموزش برای قرن بیست و یکم سرچشمه می‌گیرند. مهم‌ترین بخش دیدگاه توجه به این نکته است که ما امروزه دیگر نمی‌توانیم برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی را با محتوا و روش‌های گذشته تهیه کنیم. تولید برنامه‌های درسی امروز، به رویکردهای نو نیاز دارد؛ رویکردهایی که برنامه‌های قابل انعطاف، اصلاح‌پذیر، تغییرپذیر، مشارکت‌جو، موقعیت‌محور، پویا و رسا را تولید کنند. برنامه‌های آموزشی امروز باید بیشتر بر افراد، یادگیرندگان و مردم تأکید داشته باشند تا فقط بر محتوا. در این مقاله، در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و تهیه و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر رویکردهای نو، به بازخوانی اندیشه‌ها می‌پردازیم.

که اگر دانش‌آموزان به کمک معلمان و مربیان خود آن مسیر را به درستی طی کنند، با موفقیت به پایان راه (که در واقع، همان تحقق انتظارات و هدف‌های آموزشی است) خواهند رسید. امروزه برنامه‌ی درسی یا نقشه‌ی راه باید چیزی بیشتر از

الگوهای برنامه‌ی درسی

برنامه‌ی درسی، برنامه‌ای است که به وسیله‌ی یک نهاد، مرکز آموزشی یا گروهی از معلمان و مربیان تهیه می‌شود تا از آن به عنوان نقشه‌ی راه آموزش و یادگیری استفاده شود. برنامه‌ی درسی مسیری را نشان می‌دهد

کلید واژه‌ها:

الگوی کلاسیک برنامه‌ی درسی، الگوی مشارکتی، برنامه‌ی درسی، بازاندیشی در حوزه‌ی هدف‌ها، کیفیت برنامه‌ی درسی.

اطلاعات یا فهرستی از مواد و موضوعات مورد مطالعه باشد. این نقشه باید مشتمل بر تمام تجربه‌های نظری و عملی باشد که برای کسب موفقیت در رسیدن به انتظارات و هدف‌های آموزشی لازم‌اند.

در ادبیات امروز، برنامه‌ی درسی به صورت دو مدل یا الگو ارائه می‌شود:

۱. مدل کلاسیک^۱: این مدل که بر رویکرد منطقی^۲ برنامه تأکید دارد؛ «عینیت‌گرا»^۳ و «محصول» محور^۴ است. در این مدل از برنامه‌ریزی، اهداف و انتظارات برنامه توسط متخصصان برنامه‌ریزی نوشته می‌شود؛ افرادی که صلاحیت و دانش لازم را برای تهیه و تولید برنامه دارا هستند. در این مدل، فرض بر این است که کلیه‌ی گروه‌های درگیر آموزش، اعم از معلمان، دانش‌آموزان، و صاحبان حرف و مشاغل، روی هدف‌های تعیین شده‌ی آموزشی و پرورشی توافق دارند و انتظارات مشترکی را برای مخاطبان برنامه متصورند. در این رویکرد، باور همگان این است که به گفت و گو و بحث و چالش بین این گروه‌ها درباره‌ی هدف‌ها و انتظارات آموزشی، نیازی نیست.

۲. مدل مشارکتی^۵: این مدل بر رویکردی مشارکت‌جویانه و موقعیتی از برنامه متکی است و پیشتر «صورت‌گرا»^۶ و «فرایند محور»^۷ است. در این مدل از برنامه‌ریزی، بر تعامل میان مشارکت‌کنندگان در برنامه، اعم از مربیان، معلمان و متعلمان تأکید می‌شود. یادگیرندگان در تهیه‌ی برنامه‌های درسی و در فرایند

برنامه‌ریزی، نقشی مهم برعهده دارند. هدف در این مدل ایجاد انگیزه برای مشارکت افراد متفاوت در فرایندی پویا و تعاملی است. این رویکرد بر این باور تأکید می‌کند که برنامه‌ی ایده‌آل، برنامه‌ای همه‌جانبه، جامع و در عین حال منعطف و سازگار است که قابلیت انطباق، اصلاح یا تغییر را در مواقع لزوم داراست، یادگیرنده را عاملی مهم می‌شمارد و همه‌ی افراد درگیر در فرایند آموزش را به حساب می‌آورد.

نکته‌ی قابل توجه این است که اگرچه این دو مدل دو رویکرد متفاوت دارند، اما متضاد یکدیگر نیستند. برنامه‌ی درسی می‌تواند عواملی از هر دو مدل را داشته باشد. برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی امروز، باید موقعیت محور باشند و بنابر شرایط و امکانات و موضع خاص مخاطبان آموزش، قابلیت انعطاف داشته باشند و با توجه به نیازها، رغبت‌ها و انگیزه‌های یادگیرندگان و به کمک خود آن‌ها شکل بگیرند.

بازاندیشی در حوزه‌ی هدف‌ها

برنامه‌ریزی درسی در اصل برای چیست؟ در برنامه‌ریزی‌های نو باید دو هدف عمده مدنظر باشد؛

۱. توانمند کردن یادگیرندگان برای یادگیری‌های عمیق، غنی و کارآمد^۸

۲. تسهیل کسب مهارت‌های قابل انتقال

برای تحقق هدف اول، برنامه‌های درسی باید تفکر محور باشند، دانش‌آموز را به مشاهده‌ی دقیق، تحلیل قضایا، کشف روابط علت و

معلولی، توجه و دقت به همه‌ی زوایای مورد توجه، مطالعه و بررسی عمیق، گردآوری داده‌های معتبر، اتکا بر منطق و استدلال در قضاوت، نقد مسائل و اندیشه‌ورزی و خلاقیت در همه حال، دعوت کنند و با فراهم کردن زمینه‌های فعالیت تجربی برای وی، او را به بهره‌گیری از اندیشه و تفکر ژرف عادت دهند. توانمندسازی یادگیرندگان، کار برنامه‌های درسی نو و خلاق امروزی است. برنامه‌های درسی امروز باید زمینه‌های «خودراهبری»^۹ در یادگیری را به وجود آورند، انگیزه‌های یادگیری را زیاد کنند و مهم‌تر از همه، انتخاب موضوعات، موارد و محتوای آموزش را برعهده‌ی یادگیرنده بگذارند. بدین ترتیب، مسئولیت کسب دانش و بینش و مهارت‌های مورد نیاز زندگی،

بر عهده‌ی خود دانش آموز قرار می‌گیرد.

برای تحقق هدف دوم، برنامه‌های درسی باید زمینه‌های کسب تجربه و قابلیت‌های انتقال را در یادگیرندگان به وجود آورند. این جاست که کارگروهی، مشارکت در تهیه‌ی برنامه‌ی درسی یا یادگیری مطالب، جای خود را به خوبی می‌یابند. برقراری ارتباط قابلیت‌ی ضروری است که در دنیای امروز بیش از قابلیت‌های دیگر مورد نیاز است. دنیای امروز، دنیای زندگی جمعی و مملو از انسان‌هایی با ویژگی‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و بینش‌های متفاوت است. یکی از درس‌های بزرگ زندگی موفق در چنین دنیایی، آماده شدن برای روبه‌رویی با

گوناگونی‌ها، نوآوری‌ها و تغییرات و کسب مهارت در برقراری ارتباط با انسان‌ها و مظاهر مدرن این دنیای پیچیده است. یکی از مظاهر آشکار

دنیای امروز، پیشرفت پویای فناوری از هر نوع، در هر زمینه از جمله فناوری‌های آموزشی است. آموزش امروز بدون بهره‌گیری از تکنولوژی یادگیری، دانش آموز را در مرحله‌ی تحقق هدف اول متوقف می‌کند. برای موفقیت در تحقق هدف دوم، الزاماً باید از تکنولوژی‌های آموزشی روز بهره گرفت. باید فناوری را با یادگیری تلفیق کرد تا وقت و انرژی دانش‌آموزان با کاربرد مکانیکی فناوری، از جمله رایانه، به هدر نرود و فناوری در خدمت یاددهی و یادگیری قرار گیرد.

کیفیت برنامه‌ی درسی

نکته‌ی قابل توجه دیگر در بازخوانی اندیشه در حوزه‌ی برنامه‌ریزی، تأمین کیفیت برنامه‌های درسی بیشتر از گذشته است. تأمین کیفیت هر برنامه‌ی درسی به چند فعالیت وابسته است:

۱. آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی و آماده‌سازی مجریان برنامه: بهترین برنامه‌های درسی، در دست مجریان ناآگاه و کم‌اطلاع از هدف‌ها، رویکردها و راهبردها، به ناکامی کشیده خواهند شد.

۲. پژوهش: هیچ برنامه‌ای، ابتدا به ساکن، حاوی همه‌ی مزایا و لازمه‌های مفید و اثربخش نخواهد بود. اثربخشی برنامه‌ها در طول فعالیت‌های پژوهشی نظام‌مند و هدفمند و ارزشیابی محور^۱، با جرح و تعدیل بر اساس بازخوردهای ارزشیابی حاصل می‌شوند.

۳. تدوین برنامه‌های اجرایی: به مراحل اجرایی برنامه‌ریزی درسی، همیشه کمتر از آن‌چه باید، توجه شده

است. نقش اجرا، اغلب اوقات ضعیف‌تر از آن‌چه باید باشد پنداشته شده و کار اجرای برنامه به طور معمول، کاری آسان تصور شده است. تغییر نگرش در این راستا، از بایسته‌های ضروری برنامه‌ریزی امروز است.

۴. اشاعه و همه‌گیر کردن یا گسترش برنامه: برنامه‌های درسی هنگامی باید همه‌گیر شوند و در صحنه‌ی وسیع به کار روند که از بوته‌ی آزمایش‌های متعدد اولیه سربلند بیرون آمده باشند. اعتباریابی برنامه‌ها در سطوح کوچک و جرح و تعدیل و اصلاح بر مبنای ارزشیابی‌های تکوینی برنامه، قبل از هرگونه اجرای سراسری و کاربرد کلان، از ضرورت‌های دیگر برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی و درسی است.

با تلفیق این سه فعالیت، مجریان برنامه، دانش و مهارت‌های خود را بسط می‌دهند، نگرش‌های خود را وسعت می‌بخشند و مقدمات کار اجرا را به خوبی فراهم می‌کنند. و بدین ترتیب است که کیفیت یاددهی را ارتقا می‌بخشند و در نهایت کیفیت یادگیری تأمین می‌شود.

زیرنویس.....

1. classic model
2. rational approach
3. objectivist
4. product - oriented
5. partisitive model
6. subjectivist
7. process/ oriented
8. deep - learning
9. self - directed learning
10. evaluation-research